

عوامل و پیامدهای فتنه از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم

رهبری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

میناصمدی^۱

چکیده

فتنه از ترفندهای سیاسی اجتماعی است که از آمیزش حق و باطل و پنهان نمودن باطل در پوسته حق توسط فتنه انگیزان به وجود آمده است و با هدف اغفال و فریفتن مردم برای رسیدن به مقاصد شوم طراحی و برنامه ریزی شده است. علل پیدایش فتنه در جامعه، دو عامل است؛ یکی هوی و هوسهای افراد خودکامه و دیگری بدعتها و نوآوریهای گمراه کننده. در هر زمان و در هر جامعه‌ای فتنه نهفته است و عواملی باعث تحریک و بروز آن شده است. پس شناخت فتنه و داشتن بصیرت و آگاهی درباره آن برای مقابله با آن و به خصوص فتنه گران ضروری است. این نوشتار با هدف تبیین و مو شکافی فتنه نگاشته شده است که امید است با مطالعه آن شناختی مناسب درباره‌ی معنا، چگونگی پیدایش، ویژگیها و ریشه‌های فتنه و همچنین پیامدهای آن حاصل آید.

کلید واژگان: فتنه، مراحل، عوامل، ریشه، رهبر معظم انقلاب اسلامی، نهج البلاغه.

مقدمه

«فتنه، یعنی حادثه غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است و چه کسی باغرض وارد میدان شده و از کجا تحریک می‌شود». بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه - ۸/۵/۱۳۷۸ (https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=2962)

حق و باطل از دیر باز در برابر هم بوده‌اند و آن چنان در هم می‌آمیزند که فضای جامعه را تیره و تار می‌کند و قدرت تشخیص افراد را می‌گیرند. لذا سراب را به جای آب می‌گیرند و باطل را حق می‌پندارند، پیشوایان حق و مندیان عدالت را رها می‌کنند و تنها می‌گذارند و جذب داعیه داران باطل و تزویر گران ضد حق می‌شوند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. این جاست که «فتنه» پدید می‌آید و افرادی ساده لوح و بی‌بصیرت مفتون فتنه می‌شوند و سیاهی لشکر باطل می‌گردند و گاهی به نام حق و به کام باطل، وجود و فکر و نیرو و توانشان صرف می‌شود و نادانسته «جنود شیطان» می‌شوند و بازیچه‌ی ابلیس صفتان می‌گردند و عمری خدمت و تلاش و سوابق خود را در «قمارفتنه» می‌بازند و «بد فرجام» می‌شوند و از عاقبت به خیری محروم می‌گردند.

یکی از دوران‌های پرآشوب و فتنه خیز تاریخ، دوران خلافت امام علی علیه السلام می‌باشد که با فتنه‌های سنگین و شکننده همراه بوده است. با مروری بر تاریخ می‌بینیم که پس از پیروزی انقلاب نیز فتنه‌های گوناگونی رخ داده است که هر کدام نوعی ضربه بر بدنه انقلاب وارد ساخته است، ولی همیشه هوشیاری، بصیرت، بینایی و وحدت امت بر محور «ولایت» خطرها را رفع کرده و انقلاب را رویین تن کرده است. از آن جایی که مسئله فتنه یکی از مسائل مهم سیاسی در هر جامعه‌ای می‌باشد، لذا شناخت فتنه، برای حفظ جامعه و مقابله مناسب با آن از ضروریات است زیرا نهروان‌ها، صفین‌ها و جمل‌ها تکرار می‌شود و باید ناکشین و قاسطین و مارقین هر دوره را شناخت. در این مقاله مفهوم شناسی فتنه، چگونگی پیدایش و آشکار شدن فتنه و مراحل آن، ویژگی‌های فتنه و پیامدهای آن در زمینه‌های مختلف بیان گردیده است.

مفهوم شناسی فتنه

در این که فتنه چیست، مفسران و ارباب لغت، درباره آن بحث‌هایی دارند. این واژه از فتن (بر وزن متن) گرفته شده است که به گفته راغب در مفردات به معنی قراردادن طلا در آتش، برای ظاهر شدن میزان خوبی آن از بدی است و به گفته بعضی گذاشتن طلا در آتش برای خالص شدن از ناخالصی‌هاست (مکارم شیرازی ۱۳۷۰، ص ۲۱). علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: «فتنه در اصل به معنای این عمل بوده که طلا در آتش کنند تا خوبی و بدیش معلوم گردد؛ آن گاه استعمالش را توسعه داده، داخل کردن هر چیز در آتش و یا سوزاندن را فتنه خواندند. فتنه به معنای هر چیزی است که نفوس بدان آزمایش می‌شوند. قهراً باید فتنه چیزی باشد که بر نفوس، گران می‌آید و لکن بیشتر در پیش‌آمدهای جنگی و ناامنی‌ها و شکستن پیمان‌های صلح استعمال می‌شود.» (طباطبائی، ۱۳۹۷، ج ۹، ص ۱۱۶).

لذا می‌توان چنین بیان کرد که فتنه یک سری پدیده‌های اجتماعی - سیاسی است که جامعه را دچار موج و تلاطم نموده و در عین حال، حالت حق به جانب و فریب کارانه داشته باشد به عبارت دیگر، فتنه ترفندهای سیاسی اجتماعی است که از آمیزش حق و باطل و پنهان نمودن باطل در پوسته حق با هدف اغفال و فریفتن مردم برای رسیدن به مقاصدی شوم طراحی و برنامه ریزی می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

فتنه از دیدگاه نهج البلاغه

امام علی علیه السلام درباره‌ی فتنه، سخنان فراوانی دارد. ایشان در جای جای نهج البلاغه درباره‌ی این موضوع مطالب بسیار مهمی را بیان کرده است. فتنه در سخنان امام علی علیه السلام به دو معنا به کار رفته: یکی به معنای آزمایش الهی است که همه افراد و جامعه‌ها به نحوی به آن مبتلا هستند. دوم رویدادهایی که انسان‌های هواپرست در جوامع به وجود می‌آورند. اما در مورد فتنه در معنای آزمایش: فتنه در نهج البلاغه گاهی به معنای «آزمایش الهی» است که یکی از ضرورت‌های محرک بشر برای پیشرفت است و موجب تحریک احساس

حق جویی و حق‌یابی می‌باشد. حضرت توصیه می‌کند که نباید کسی از این گونه فتنه‌ها به خدا پناه ببرد زیرا این گونه فتنه‌ها به عنوان سنت‌های الهی در مورد همه انسانها جریان دارند.

فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری

- «فتنه» یعنی حادثه‌ای غبار آلود که انسان نتواند دوست را از دشمن تشخیص دهد و دریابد که این فتنه از کجا تحریک می‌شود. «فتنه» مثل یک مه غلیظ است فضا را نامشخص می‌کند، چراغ مه شکن لازم است که همان بصیرت است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۸۹/۴/۲) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9640>) ایشان در جایی دیگر در مورد فتنه چنین فرموده‌اند: «فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهرِ دوست و باطنِ دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «أما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع و احکام تبتدع»، تا آن جایی که می‌فرماید: «فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف علی المرتادين»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر برایشان مشتبه نمی‌شود؛ می‌فهمند این باطل است. «و لو انّ الحق خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمی‌تواند حق را متهم کند به حق نبودن». بعد می‌فرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضعف و من ذاک ضعف فیمزجان»؛ فتنه‌گر یک تکه حق، یک تکه باطل را می‌گیرد، این‌ها را با هم مخلوط می‌کند، در کنار هم می‌گذارد؛ «فحیث یشتبه الحق علی اولیائه؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه می‌شود. فتنه این است دیگر» (بیانات رهبر در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>)

پیدایش فتنه

آن چه موجب پیدایش فتنه در جامعه می‌شود، یکی هوی و هوس‌های افراد خودکامه، ریاست طلب و منحرف است، دیگری هم به هم ریختن مرزها و مخلوط شدن حق و باطل و بدعت‌ها و نوآوری‌های گمراه کننده، که کسانی بر سر این مسائل، به نزاع و صف‌آرایی در برابر هم می‌پردازند. اگر افراد هوای نفس نداشته باشند و بدعت‌ها و انحرافات پیش نیاید، مردم هم گرفتار امواج فتنه نمی‌شوند. (شریفی، احمد حسین، همان، ص ۱۵)

امام علی علیه السلام منشأ پیدایش فتنه را چنین بیان می‌کند: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ، يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ، وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰) سرآغاز پیدایش فتنه‌ها، هواهای نفسانی است که پیروی می‌شود و احکام بدعت آمیز و مخالف کتاب خدا که بنیان نهاده می‌شود و مردانی دیگر را بر اساس غیر دین خدا یاری و پیروانی می‌کنند...»

هوای نفس، چشم حقیقت بین را کور می‌کند. در کلامی از آن حضرت نقل شده است که: «من بیش از هر چیز از دو موضوع بر شما بیمناکم: هوی پرستی و آرزوهای دراز. اما تبعیت از هوای نفس، جلوی حق خواهی را می‌گیرد و انسان را از راه حق باز می‌دارد و اما آرزوهای دور و دراز، آخرت را از یادها می‌برد». (همان، خطبه ۴۲)

پس از آن که در یک جامعه به وسیله هوی‌ها و خودپرستی‌ها بدعت‌هایی بروز کرد، نوبت ظهور فتنه‌ها و آشوب‌ها فرا می‌رسد، زیرا طبیعی است بدعت‌ها هر اندازه هم ماهرانه و عوام فریبانه به اجتماع عرضه شوند، بالاخره با متن واقعیات دین، که با قرآن محوری، حفظ سنت و فعالیت عقول سالم پاکان جامعه، برای خردمندان جامعه تثبیت شده است، ناهماهنگ و ناسازگار شده موجب بروز آراء، عقاید، تأویلات و تفسیرات شخصی می‌شود و شعله‌های فتنه و آشوب زبانه می‌کشد و گروه بندی‌ها شروع می‌شود. انسان‌های خودخواه و خود محور و هواپرست، معیار اصلی را خواسته‌های دل می‌دانند و به همین دلیل آیات قرآن و احکام الهی را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با نفسانیات آن‌ها تطابق داشته باشد.

چون برای آنها آن (دین و احکام) فرع است و خواسته‌های دل اصل و دین را تا آن جا که با خواسته‌هایشان سازگار باشد می‌پذیرند و هر جا مطابق میل آنها نبود از آن جدا می‌شوند. آن‌ها با دین دو گونه برخورد می‌کنند:

نخست از شیوه «مؤمن ببعض و نکفر ببعض» آنچه از دین را که با هوس‌هایشان سازگار است می‌پذیرند و بقیه را طرد می‌کنند. (در واقع هوای نفس را می‌پرستند نه دین خدا را).
دوم این‌که: دین و احکام الهی را به گونه‌ای تفسیر و تحلیل می‌کنند که مردم و وجدان خودشان را فریب دهند، این شیوه‌ی آن‌ها یعنی تحریف دین و تفسیر به رأی از شیوه‌ی اول بسیار زشت‌تر و خطرناک‌تر است. (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، علی و فتنه‌ها، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۰)

مراحل فتنه

در خطبه‌ی ۱۵۱ که جامع‌ترین و کامل‌ترین مبحث نهج‌البلاغه راجع به فتنه است، مراحل فتنه بیان شده است. این خطبه به تنهایی برای شناخت فتنه و فتنه‌گران و روش مقابله با آنان کفایت می‌کند. از این خطبه مطالب مهمی مانند ماهیت فتنه، مراحل آن و نتایج و راه مقابله با آن فهمیده می‌شود. در این خطبه می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ أَعْرَاضُ بَلَايَا قَدْ افْتَرَبَتْ فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَ احْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ وَ تَبَسُّوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَ إِعْوَاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ ظُلُوعِ جَنِينِهَا وَ ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابِ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَّةٍ وَ تَتَوَلَّى إِلَى فِظَاعَةِ جَلِيَّةٍ...»؛ بر حذر باشید از شدت مجازات الهی، و ثابت قدم باشید در غبار تاریکی و انحرافات فتنه، و در هنگام برآمدن جنینش و ظهور باطنش و انتصاب قطبش و به گردش در آمدن آسیای آن. فتنه از مراحل پنهانی شروع می‌شود، و به زشتی و ناپسندی آشکار و بر جسته می‌رسد». فتنه چهار مرحله دارد:

۱. مرحله جنینی

فتنه از لحاظ تکوین مانند جنین است. همان طور که جنین پنهان از دیده است و

نمی‌توان درباره‌ی آن گفت که پسر است یا دختر، سالم است یا ناقص، و کسی نیز نمی‌تواند از ظاهر، حکم به تشکیل جنین کند، فتنه در مراحل پیدایش به سبب پنهان بودن و احتیاط بیش از اندازه فتنه‌گران نامشخص است و دارای باطن پنهانی است، اما وقتی نوزاد به دنیا آمد تمام پرسش‌ها، پاسخ داده می‌شود. (همان، ۸۵) این مرحله دارای مدارج است و درجه به درجه رشد می‌کند. درست مانند جنین که از یک سلول پیدا می‌شود و تا به یک جنین کامل تبدیل می‌گردد و آماده‌ی تولد می‌شود. بعد از تولد است که معلوم می‌شود مولودی نامبارک و زشت بوده است. ابتدای مرحله‌ی جنینی زمانی است که موقعیت فتنه‌انگیز یعنی ظهور حق بزرگ پدید می‌آید. در این هنگام افرادی که منافع خود را از دست داده یا سروری خود را در معرض خطر می‌بینند به فکرمقابله با آن حق می‌افتند. این مرحله، تکوین فتنه در خانه‌های تیمی است. در این مرحله سران فتنه با یکدیگر متحد می‌گردند و به گسترش فعالیت خود می‌پردازند.

۲. مرحله کمین

این مرحله مرحله‌ی سربازگیری و آماده‌سازی است که آن هم مخفی می‌باشد. در مباحث آتی راجع به این سربازان بیشتر صحبت خواهیم کرد و اوصاف و خصوصیات آنان را بر خواهیم شمرد. در مرحله‌ی کمین اصحاب فتنه آماده‌ی عملیات می‌گردند.

۳. مرحله انتصاب قطب و دست آویز

از آن جا که فتنه‌انگیزان در جبهه‌ی حق بوده‌اند و از طرفی نمی‌توانند حول محور حق بگردند و از رهبر حق تبعیت کنند، چون اصلاً فتنه‌ی آن‌ها برای مقابله با حق است، لذا برای مقابله نیاز به قطب و محوری دارند که حول آن بچرخند. آن‌ها ناچارند برای رسیدن به مقصد خود این قطب یا محور را انتخاب کنند، در غیر این صورت نمی‌توانند بین اصحاب فتنه وحدت ایجاد کنند. این قطب فردی است که حول آن حرکت می‌کنند تا به مقصد خود برسند. این قطب شعاری هم باید داشته باشد که در برابر حق قرار بگیرد. شعار اصحاب جمل خون عثمان بود. فتنه پرچمی هم دارد که حول آن می‌چرخد. پرچم اصحاب جمل

پیراهن عثمان است و پارچه‌ی سبز ابریشمی که بر روی هودج عایشه نصب شده است. به نظر می‌رسد همان طور که اولین فتنه در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام با پرچم سبز و پیراهن عثمان بود، اولین و آخرین فتنه هم در مقابل حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با پرچم سبز باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَإِنَّ أَكْثَرَ أَشْيَاعِهِ يَوْمَئِذٍ أَصْحَابُ الطَّيَالِسَةِ الْخُضْرِ؛ أَكْثَرُ بِيْرَوَانَ دَجَالَ صَاحِبَانَ رُؤُوسِ هَايِ سَبْزَنْدِ». (مجلسی، ۱۳۸۲، ۵۲، ص ۱۹۴).

۴. مرحله شورش یا حرکت و دوران

این مرحله، مرحله‌ی ظهور و حرکت فتنه است و خطرناک‌ترین مرحله‌ای است که یک جامعه را تهدید می‌کند. در این مرحله تمام نیروی فتنه مانند موجی بیرون می‌زند و آن برنامه‌هایی که تهیه دیده‌اند به فعلیت در می‌آید. در این مرحله تمام حرکت‌ها حول محور آن قطب و به سمت حکومت جهت‌گیری می‌شود و ارزش‌ها و قوانین حاکم می‌شکنند و زیر پا گذارده می‌شود (فتحی، عباس، ماهنامه فرهنگی تبلیغی ۳ و ۴، بی‌جا، ۱۳۸۹، ۲۳-۲۴).

ویژگی‌های فتنه

امام علی علیه السلام پس از واقعه نهروان خطبه‌ای می‌خواند و ویژگی‌های فتنه را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ، يَنْكُرُنْ مُقْبِلَاتٍ، وَيَعْرِفُنْ مُدْبِرَاتٍ، يَحْمُنْ حَوْمَ الرِّيَّاحِ، يَصْبُنْ بِلَدًا وَيَخْطِنُ بِلَدًا أَلَا وَإِنَّ أَخْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمِيَّةَ، فَإِنَّهَا فِتْنَةُ عَمِيَاءَ مُظْلِمَةٌ: عَمَّتْ خُطُوتُهَا وَخَصَّتْ بَلِيَّتُهَا، وَأَصَابَ الْبَلَاءُ مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا، وَأَخْطَأَ الْبَلَاءُ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳) فتنه‌ها هنگامی که روی می‌آورند شبیه حق می‌باشند و آن گاه که می‌روند و به پایان می‌رسند حقیقت خود را می‌نمایانند و هوشیار می‌سازند. ناشناخته می‌آیند و شناخته شده می‌روند. همچون گردباد می‌گردند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را وا می‌گذارند. آگاه باشید که نزد من، بی‌مناک‌ترین فتنه‌ها برای شما فتنه‌ی بنی‌امیه است، زیرا که آن، فتنه‌ای کور و تاریک است. همگان را در بر می‌گیرد و مصیبتش خاص مؤمنان است و گرفتاری‌اش به کسانی می‌رسد که از آن آگاهی

دارند و بی‌خبران را آسیبی نمی‌رساند». در این کلام امام، فتنه دارای چند ویژگی است از جمله:

الف) آراستگی با حق

یکی از ویژگی‌های فتنه این است که حق و باطل را با هم مشتبه می‌سازد. آن‌گاه که فتنه روی می‌آورد، آن‌گونه نیست که همگان درکش کنند و چنان آشکار نیست که مردم آن را بشناسند، بلکه چنان خود را به حق آراسته و با آن آمیخته می‌کند که بسیاری از مردم بدان رو می‌کنند و همین رمز گسترش فتنه است. در واقع افراد نسبت به تشخیص حق و باطل از یکدیگر دچار سردرگمی می‌شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اگر باطل با حق در نیامیزد، کار باطل پیش نمی‌رود و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت زبان دشمنان قطع می‌گردید». (همان، خطبه ۵۰)

به راستی اگر باطل در شکل اصلیش نمایان شود خریداری ندارد و حق اگر به صورت خالص عرضه شود زبان بهانه‌جویان را قطع می‌کند؛ لذا بدیهی است نه حق خالص مشکل هواپرستان را حل می‌کند و نه باطل خالص آن‌ها را به مقصد می‌رساند، این جاست که به سراغ آمیختن حق و باطل می‌روند. امام در این باره می‌فرماید: «ولی بخشی از این گرفته می‌شود و بخشی از آن، و این دو را به هم می‌آمیزند، و در اینجا است که شیطان بر پیروان و دوستان خود مسلط می‌شود و تنها کسانی که مشمول رحمت خدا بوده‌اند از آن نجات می‌یابند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۴/ص ۲۳۱) در واقع آمیزش حق و باطل چراغ سبزی است برای هوی‌پرستان و بهانه‌ای است برای پیروان شیطان که وجدان خود را فریب دهند و در برابر دیگران استدلال کنند که ما به این دلیل و آن دلیل این راه را برگزیده‌ایم. (همان، ج ۲، ص ۵۶۵-۵۶۴)

ب) آشکارشدن ماهیتش بعد از تمام شدنش

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی دیگری از فتنه‌ها بیان می‌فرماید که: «هنگامی که پشت می‌کنند مردم را از ماهیت خود آگاه می‌سازند» در واقع به هنگام روی کرد، اغفال‌کننده

است و به هنگام پشت کردن، بیدارکننده. علت آن را در قسمتی از بیان خود بدین نحو بیان می‌فرمایند: «آن‌ها در حال روی آوردن ناشناخته‌اند و به هنگام پشت کردن شناخته می‌شوند» به هنگام روی آوردن بسیاری از مردم متوجه آن نمی‌شوند. کسانی هم که دورنمایی از آن دارند، ویژگی‌ها و چگونگی آن را به درستی نمی‌دانند.

بسیار پوشیده و پنهان است و در راه‌هایی وارد می‌شود که بسیاری از مردم در نگاه اول به آن حساسیتی نشان نمی‌دهند در نتیجه آرام آرام خود را پی‌گیری می‌کند. رشدی بسیار آرام دارد تا آن‌جا که گمان می‌رود اصلاً وجود ندارد. (شریفی، همان، ص ۵۰-۵۱).

در واقع فتنه‌انگیزان، ماهیت خود را در چهره‌ی ساختگی حق به جانب، پنهان می‌دارند تا مردم را به دنبال خود بکشند ولی هنگامی بر مرکب مراد سوار شدند چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهند و همین امر، تدریجاً سبب نابودی آن‌ها می‌شود. چون مردم بیدار شده و از آن‌ها روی می‌گردانند (مکارم شیرازی، همان، ج ۴، ۲۳۱)

ج) کورکننده و تاریک‌گرا

فتنه‌های کور و تاریک فتنه‌هایی هستند که هیچ کس و هیچ چیز را به رسمیت نمی‌شناسند و همه‌ی ارزش‌ها را پایمال می‌کنند و نیکان را بدون توجه به سوابق و شخصیت آن‌ها در هم می‌کوبند. همان کاری که گردباد انجام می‌دهد. (همان، ۲۳۲) فتنه‌ها، همچون گردباد کورکننده و تاریک‌کننده هستند. گردباد از شهری می‌گذرد و شهر دیگر را نابود می‌کند. زیرا زمینه ظهور و بروز فتنه‌ها در همه شهرها یکسان نیست لذا در همان مکانی که شرایط ظهور فتنه میسر است رشد می‌یابد.

هنگام بروز فتنه‌ها چشم‌ها همدیگر را نمی‌بینند و انسان‌ها فریاد یکدیگر را نمی‌شنوند. بسیاری از افراد هنگام برخاستن گردباد و گرفتار شدن در فضای کاملاً تاریک و غبارآلود هوش و حواس خویش را از دست می‌دهند و اندیشه‌ی خود را به درستی نمی‌توانند به کار گیرند. به همین دلیل ممکن است در جهتی صد در صد خلاف هدف اصلی به راه افتند و به دلیل تیره و تاریک بودن فضا، حتی اگر کسی از بیرون گردباد به آنان بگوید که مسیر خود را

اشتباه می‌روند، اصلاً نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند، نمی‌توانند تصمیم درستی اتخاذ کنند و این درست شبیه فضای فتنه است. در فضای فتنه نیز اشخاص به درستی نمی‌توانند تصمیم بگیرند و ممکن است ناخواسته در جهتی خلاف هدف اصلی حرکت کنند. (همان، ۲۳۲)

د) فراگیر است

از دیگر ویژگی‌های فتنه فراگیری آن می‌باشد. هیچ کس را از فتنه گریزی نیست و همگان را در سیطره‌ی خویش می‌گیرد و کسی نمی‌تواند دامان خود را از آن برکشد. دانشمند و نادان، پیر و جوان، زن و مرد، هر یک به گونه‌ای درگیر می‌سازد. (آقا جانی قناد، ۱۳۸۰، <http://pajuhesh.irc.ir/>) در واقع بلای فتنه، ویژه‌ی گروهی است؛ هر کس در آن فتنه بصیر و بینا باشد و با آن ستیزه جویی کند بلا دامان او را می‌گیرد و هر کس در برابر آن نایبنا باشد، بلایی به او نمی‌رسد. «عَمَّتْ خُطَّتْهَا، وَحَصَّتْ بَلِيَّتْهَا وَ أَصَابَ الْبَلَاءُ مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا، وَأَخْطَأَ الْبَلَاءُ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا». بدیهی است آثار شوم فتنه سرانجام دامان همه اجتماع را خواهد گرفت و تعبیر به «عَمَّتْ خُطَّتْهَا» ممکن است اشاره به همین معنا باشد؛ ولی لبه‌ی تیز آن، متوجه آگاهان مجاهد و مبارز است ولی ناآگاهان و آگاهان بی‌مسئولیت و بی‌درد، از بلاهای خاص در امان می‌مانند. (مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، همان، ج ۴، ص ۲۳۲)

ریشه‌های فتنه

راستی آیا با وجود این همه فتنه که در سال‌های اخیر در جامعه رخ داده است با خود فکر کرده‌اید که دلیل این‌که گروهی از افراد جامعه با وجود این‌که در پست و مقام بالایی قرار دارند و شاید سالها برای نظام اسلامی زحمت کشیده‌اند اما الان خود جزء سران فتنه به حساب می‌آیند چیست؟ در این مسأله باید بسیار تأمل کرد و ریشه‌های اصلی آن را پیدا کرد زیرا تا درد شناخته نشود نمی‌توان آن را درمان کرد سنت الهی بر این قرار گرفته که هیچ ملتی دچار گردباد فتنه نگردد مگر آن که خود زمینه‌ساز آن باشد ما در این جا به برخی از ریشه‌های فتنه می‌پردازیم:

الف) خودخواهی و هواپرستی

منشأ بسیاری از فتنه‌های اجتماعی، حب جاه و مقام و ریاست و خودخواهی و خودبزرگ بینی است. این جاست که دلیل ترس علی علیه السلام را برای انسان‌ها بهتر درک می‌کنیم که می‌فرماید: «ای مردم، من بر شما از دو چیز می‌ترسم پیروی هوای نفس و آرزوهای طول و دراز و اما پیروی هوای نفس شما را از حق باز می‌دارد و اما طول آرزوها، آخرت را از یاد شما می‌برد. آگاه باشید که دنیا پشت کرده و می‌گذرد». (خطبه نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲) در جایی دیگر در خطبه ۵۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «منشأ فتنه و فسادها پیروی از خواهش‌های نفسانی و احکامی است که بر خلاف شرع ابداع گردیده و کتاب خدا با آن‌ها مخالف است». خواهش‌های نفسانی هیچ‌گاه توقف و سیری نخواهد داشت، انسان همیشه به دنبال وضعیت بهتر رفاهی و دنیایی می‌باشد آرزوها و امیال همواره انسان را زنجیره‌وار به سوی خود می‌کشاند و مانع استقلال و آزاد اندیشیدن او می‌شوند. از طرفی خودخواهی نیز موجب می‌شود در مواردی که خواسته‌های انسان با موازین دینی و الهی سازگاری ندارد به توجیه رفتار یا تأویل‌های ناشایسته‌ای از معارف دینی دست بزند. از دیدگاه چنین افرادی معیار ارزش‌کارها، موافقت و سازگاری آن‌ها با هوس‌ها و خواهش‌های نفسانی آنان است، هر کاری که مطابق امیال و خواسته‌های آنان باشد خوب و هر کاری که مخالف امیال و اهداف شخصی و گروهی‌اشان باشد بد است. (شریفی، احمد حسین، همان، ص ۱۱۳-۱۱۴)

بسیارند افرادی که در ظاهر مسلمان و با ایمانند اما چون هواهای نفس و دل‌بستگی به دنیا بر ایمان ضعیف آن‌ها سایه افکند ایمان را فدای دنیا و نفسانیات می‌کنند. بسیاری از این افراد از حکومت عدل علی علیه السلام در هراس بودند و از تقسیم عادلانه بیت‌المال می‌ترسیدند زیرا چشم را بر حقیقت امر بستند. عمر و عثمان به ویژه عثمان، با خویشاوندگرایی خود و این که بیت‌المال را مال و دارایی خود می‌دانست، موجب شد تا طبقات اشرافی و مرفه به وجود آیند که از بیم از دست دادن آن امتیازات و مقامات با عدل علی علیه السلام و حکومتش مخالفت کردند. هواپرستی می‌تواند ابعاد و شاخه‌های فراوانی داشته باشد. به عنوان مثال ریاست

طلبی، شهرت طلبی، زراندوزی و ثروت‌گرایی از شاخه‌های همین عامل است. (موسسه فرهنگی هنری قدرولایت، همان، ص ۱۲۲)

ب) ریاست طلبی

عامل اصلی ایجاد فتنه صفین نیز همین ریاست طلبی، خودخواهی و هواپرستی حاکمان شام بود. معاویه سال‌ها بعد از شهادت امام علی علیه السلام به صراحت بیان کرد که جنگ او با آن امام و یارانش برای دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی و احیای روزه و نماز و حج و زکات نبوده است او دنبال رسیدن به حکومت و خلافت بوده است (همان، ۱۱۶) زیرا معاویه از مدت‌ها قبل از خلافت علی علیه السلام مقدمات خلافت را برای خود در شام تهیه دیده بود. وقتی امام به خلافت رسید، فرمان عزل معاویه را صادر کرد و یک لحظه نیز با ابقای او برحکومت شام مؤافقت نکرد. نتیجه این اختلاف آن شد که سپاه عراق و شام در سرزمینی به نام (صفین) به نبرد پرداختند و می‌رفت که سپاه علی علیه السلام پیروز شود اما معاویه با نیرنگ خاصی در میان سربازان علی علیه السلام اختلاف و شورش پدید آورد. سرانجام پس از اصرار زیاد از جانب یاران علی علیه السلام امام ناچار تن به حکمیت ابوموسی اشعری و عمر و عاص داد که آنان درباره‌ی مصالح اسلام و مسلمین مطالعه کنند و نظر خود را اعلام دارند.

آن گاه که معاویه چنین فتنه‌ای را آغاز کرد به امید کدام یآوری دلخوش داشت؟ از کدام روزن چراغ سبزی را دیده بود؟ او نیک می‌دانست که سست عنصرها هستند آن‌ها که به مقاصد پلیدشان نرسیده‌اند و امروز در جامعه‌ی حق مترصدند، تا به آن‌چه نرسیده‌اند چنگ زنند و اینان از هیچ حادثه‌ای که امیدشان را زنده کند نمی‌گذرند و فرصت را از دست نمی‌دهند و نیک می‌دانست که مردمان ساده و ظاهربینی نیز هستند، آن‌ها که تمام عقلشان در شخصیت کاذب آن هست عنصرها خلاصه می‌شود و حق را با شخصیت‌ها می‌سنجند و گوششان به کلام آنهاست. چنین شد فتنه‌های او با دهان‌ها و دست‌های سست عنصرها اوج گرفت و با جهالت و ناآگاهی گروه‌های مردم جا افتاد و کارگر شد و هر چه علی علیه السلام فریاد برآورد، بزئید این‌ها را! صفحه و کاغذ قرآن را بهانه کرده می‌خواهند در پناه

لفظ و کتابت قرآن خودشان را حفظ کنند. حقیقت و جلوه راستین قرآن منم. این‌ها کاغذ و خط را دستاویز کرده‌اند تا حقیقت و معنی را نابود سازند. عده‌ای از نادان‌ها و مقدس نماهای بی‌تشخیص که جمعیت کثیری را تشکیل می‌دادند با یکدیگر اشاره کردند که علی چه می‌گوید؟ فریاد بر آوردند که با قرآن بجنگیم؟ جنگ ما به خاطر احیاء قرآن است آن‌ها هم که خود تسلیم قرآنند پس چرا جنگ؟ علی گفت: من نیز می‌گویم به خاطر قرآن بجنگید اما این‌ها با قرآن سروکار ندارند لفظ و کتابت قرآن را وسیله‌ای برای حفظ جان خود قرار داده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹) تمام تلاش امام برای وادار کردن افراد به استقامت در اثر نیرنگ‌های معاویه بی‌اثر بود و در نهایت امام مسئله حکمیت را پذیرفت.

ج) دنیاطلبی

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های فتنه را می‌توان کشش‌های دنیوی و جاذبه‌های مادی نام برد. امتی که گوهر ایمان را از صدف جان خویش بیرون کرد و به جای آن دل به زر و زیور دنیا بست با دست خویش بذر فتنه را در سرزمین و نهاد خود افشاند است؛ زیرا در چنین شرایطی است که فتنه با کردار زشت و بزرگ نمائی مادی آنان را منحرف می‌نماید و پل رسیدن به خواسته‌های خویش قرار می‌دهد. خداوند در سوره ابراهیم، آیه ۳ می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ؛ همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند؛ و از راه خدا باز می‌دارند؛ و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آن‌ها در گمراهی دوری هستند.» باز داشتن از راه خدا و منحرف ساختن از راه حق از نتایج حب دنیا است. وقتی کسی دنیا را طلب کند به هر وسیله‌ای از جمله بهره‌وری از دین خدا، تحریف، بدعت و تأویل روی می‌آورد تا به آن برسد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل به موسی علیه السلام فرمود: آگاه باش که آغاز هر فتنه دوستی دنیا است.» (کلینی، ۴، ص ۴۰۵)

بنابراین زمانی که دنیا هدف و دنیاطلبی مقدم بر آخرت باشد از ریشه‌های فتنه گریست، در حالی که دنیا به عنوان وسیله و زمینه آخرت در متن اندیشه اسلامی برای رهایی از فتنه و

فتنه گری است. نگاهی به کارنامه اقتصادی سران فتنه جمل نیز همین حقیقت را نشان می‌دهد که عامل اصلی پیدایش فتنه، دنیا طلبی و ثروت اندوزی آنان بوده است. طلحة بن عبدالله یکی از بزرگ ترین سرمایه داران آن دوران به حساب می‌آمد هدایای دریافتی او از خلیفه سوم، افزون موسسه فرهنگی هنری قدرولایت، (همان، ص ۱۱۱) بر درهم‌های بی‌شمار، شمش‌های طلا و باغ‌ها و زمین‌های پردرآمد، دویست هزار دنیا بوده است. (موسسه فرهنگی هنری قدرولایت، همان، ص ۱۱۱)

د) بدعت گذاری در دین

بدعت در لغت به معنی انجام یک امر بی سابقه است، ولی در میان فقها و علمای اسلام به معنای کاستن یا افزودن چیزی بر دین است بدون هیچ دلیل معتبر، واز آن جا که معارف و احکام الهی باید از طریق وحی و ادله معتبر به ثبوت برسد، هر بدعتی گناه بزرگ و عظیمی است و معمولاً تمام انحراف‌ها از بدعت‌ها شروع شده است و اگر جلوی بدعت گرفته نشود، هر کس با هر سلیقه شخصی و فکر قاصر خویش چیزی بر آئین خدا بیفزاید و یا از آن بکاهد، مدتی نمی‌گذرد که دین الهی به طور کلی مسخ، محو و نابود می‌گردد و این قانون تحریم بدعت بوده، که تاکنون قرآن و اسلام را نگه داشته است. (مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ناصر، همان، ج ۱، ص ۵۷۷).

بدعت در حقیقت مکمل عامل اول یعنی هوا و هوس است، بدعت‌ها به وسیله هوی و هوس و خود پرستی افراد ظهور پیدا می‌کند و پس از ظهور بدعت نوبت به ظهور فتنه و آشوب می‌رسد.

بدعت در دین معمولاً از سوی عالمان، دین شناسان، روشن فکران و اندیشمندان صورت می‌گیرد و نه مردم عادی، زیرا مردم عادی به مبنای دین آگاهی کامل ندارند ولی از آنجا که عالمان و روشن فکران جامعه از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردارند و نفوذ ویژه‌ای در اقشار مختلف جامعه دارند و به طور طبیعی مرجع و منبع فکری و رفتاری بسیاری از مردم عادی به شمار می‌روند در نتیجه وقتی عالمی در دین خدا بدعت گذارد حامیان و مدافعان و

مقلدان او، بدون آنکه توانایی تشخیص داشته باشد پشت سر آن عالم قرار می‌گیرند مگر غیر از این است که بدعت‌های صورت گرفته در صدر اسلام از سوی افراد سرشناس و دارای موقعیت اجتماعی و دینی بوده است.

داستان خوارج که همگامان مولا علی علیه السلام بودند و شمشیر زنان رکاب او، عبرتی است بس بزرگ که هم اینان با نافرمانی از امام علی علیه السلام، عدم قبول ادامه جنگ با معاویه و رد حکمیت مورد نظر امام در مسیر شیطانی افتاده به جایی رسیدند که مقابل علی علیه السلام ایستادند هم خود نابود شدند و هم علی علیه السلام را عاقبت به شهادت رساندند. امام علی علیه السلام بدعت گذاری را یکی از مبعوض ترین و منفور ترین صفات انسان‌ها در نزد خداوند می‌داند و انسان‌های بدعت گذار را منشأ فتنه و به انحراف کشاندن مردم معرفی می‌کند. (شریفی؛ همان، ۱۲۱)

و) دور شدن از خط ولایت

اطاعت از رهبری انبیاء و رهبری اولی الامر واجب شده است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) اطاعت کنید خدا را و پیامبر او را و صاحبان امر را از میان خودتان». فاصله گرفتن از رهبران صالح و شایسته و جدایی از خط ولایت، ثمره‌ای جز ظهور فتنه و بروز انحراف در پی نخواهد داشت، امتی که خویش را از کشتی هدایت رهبر صالح خارج کرد، باید خود را غرق در امواج فتنه‌ها ببیند و در آتش توطئه‌ها بسوزد. چرا که این سنت الهی است که خروج از جاده روشن حق، سقوط در درّه مکافات و افتادن در ظلمات را به دنبال دارد و تاریخ اسلام شاهد این واقعیت تلخ است آنجا که مردم خود را از ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله محروم کردند و در نتیجه در باتلاق حکومت‌های طاغوت که در امویان و عباسیان تجلی کرده بود گرفتار شدند. (جمعی از نویسندگان، همان، ص ۸۱)

پیامدهای فتنه در ابعاد مختلف

فتنه نیزمانند هر پدیده‌ی دیگری دارای پیامدهایی می‌باشد. بروز فتنه در جامعه دینی، خساراتی جبران ناپذیر در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و... در پی دارد.

افزون بر این، برای مدتی طولانی، حاکمان و مسئولان حکومتی را به خود مشغول ساخته، از خدمت‌رسانی به مردم و پیشبرد اهداف اسلام ناب باز می‌دارد.

الف) سلب امنیت و آسایش در جامعه

امنیت نعمت بزرگی است که فقط وقتی به خطر بیفتد قدرش شناخته می‌شود. فتنه با چهره‌ای زشت و درونی تاریک ظهور کرده، آرامش و آسایش را در ابعاد گوناگون از جامعه می‌ستاید و فضایی آکنده از وحشت پدید می‌آورد. شرایط فتنه، شرایطی است که با تنش و التهاب و هیاهو و آشوب، جریان و نظم عادی زندگی مردم را مختل می‌کند و این یعنی از بین رفتن امنیت و آسایش و آرامش در جامعه، چون فتنه‌گران اهداف خود را در ایجاد تنش، التهاب، هیاهو، آشوب و سلب امنیت و آرامش در جامعه می‌یابند، از این رو می‌کوشند فضای دوستانه جامعه را به تشنج کشانده به عداوت و دشمنی تبدیل نمایند تا از این رهگذر به مقصود شوم خویش دست یابند. زمانی که در جامعه‌ای فتنه رخ دهد، کسی دل به کار و سرمایه‌گذاری و تولید نمی‌دهد و امنیت اقتصادی هم تهدید می‌شود. این آسیب یکی از آسیب‌هایی است که آتشش دامن همه را می‌گیرد و دودش به چشم همه می‌رود، چه اهل فتنه، چه مخالف، چه مدافع، چه آدم عادی و بی‌تفاوت، همه. (راضیم به رضایت، فتنه و

آثار آن، (۲۲ اسفند ۱۳۹۱)، <http://raazi70.blogfa.com>

قرآن کریم می‌فرماید: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» (انفال / ۲۵) از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ بلکه همه را فرا می‌گیرد. فتنه‌های اجتماعی دامن‌گیر همه می‌شود و تر و خشک را با هم می‌سوزاند و نیک و بد را به خود مشغول می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «فتنه‌ها چنان ویرانگرند که تندرست‌ها بیمار و مسکن‌گزیدگان کوچ می‌کنند». این سخن بدین معناست که فتنه‌ها فراگیرند و به نوعی دامن همه کس را می‌گیرند؛ حتی کسانی که می‌پندارند از آسیب‌های فتنه برکنار یا از آن گریخته‌اند. هنگامی که کشتی نظام اسلامی به دست فتنه‌گران سوراخ شود و آسیب بیند، همه سرنشینان آن در معرض غرق شدن قرار خواهند گرفت، نه فقط عاملان آن. (اخوندی، همان)

مقام معظم رهبری در خصوص یکی از پیامدهای فتنه چنین فرمودند: «بزرگ‌ترین لطمه‌ای که دشمنان می‌توانند به یک کشوری بزنند، این است که امنیت آن کشور را سلب کنند. کاری که امروز شما می‌بینید در بعضی از کشورهای منطقه‌ی ما دشمنان شروع کرده‌اند، دارند انجام می‌دهند، امنیت را از مردم آن کشور می‌گیرند. در دنیا قدرتهای استکباری امروز، بیشتر از همه آمریکا، سرویس‌های اطلاعاتی غربی با پشتوانه‌ی پول بعضی از کشورهای مرتجع منطقه دارند آشوب به پا می‌کنند در کشورهای همسایه‌ی ما و نزدیک ما و کشورهای این منطقه؛ امنیت را از بین می‌برند؛ این بدترین دشمنی و خطرناک‌ترین کینه‌ورزی علیه یک ملت است» (بیانات رهبر در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، تاریخ ۸/۸/۹۸) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43866>)

ب) ایجاد تردید در باورهای دینی

مهلک‌ترین پیامد فتنه، ایجاد بحران حقانیت است. کسانی که تا پیش از ظهور فتنه نزد مردم جایگاهی نیکو داشته‌اند و در زمره‌ی مؤمنان و ارکان نظام اسلامی به شمار می‌آمدند، آنگاه که تغییر ماهیت و تغییر مسیر دهند، جامعه را دچار بهت و حیرت می‌نمایند و از این رهگذر عده‌ای در تشخیص حق از باطل در می‌مانند؛ زیرا مردم نمی‌دانند که اینان منافق و دروغگویند تا سخنشان را نپذیرند و با نا آگاهی می‌گویند: «او از اصحاب رسول خدا ﷺ و در صف مجاهدان بوده است، رسول خدا ﷺ را دیده است، همراه و شاگرد امام بوده است، مگر می‌شود کج راه رود؟» به‌ویژه آن که این‌گونه دروغگویان منافق با شعارهای ارزشی و دینی به میدان آمده، سخن از خدا، اسلام، عدالت، اصلاح‌گری، و مردم می‌زنند. تردید و شبهه در افکار و دل‌ها می‌نشانند حتی انسان‌های نیک نقش را نیز دچار بحران عقیده و عمل می‌کنند. لذا در فضای فتنه، رشته‌های سعادت لرزان می‌گردد و حقایق در لابه‌لای گردوغبار شبهات و شعارهای فریبنده گم می‌شود. حکمت و دانش فروکش می‌کند و باورهای دینی را به تردید آلوده می‌سازد.

ج) ایجاد خسارت‌های مالی

فتنه‌گران، حاکمان را از کارهای اصلی باز داشته، به خود مشغول و هزینه‌های هنگفت مالی و جانی را بر حکومت تحمیل می‌نمایند. امیرمؤمنان علیه السلام از زمان آغاز حکومت تا هنگام شهادتش که چهار سال و اندی به طول انجامید، پیوسته با فتنه‌گران درگیر بود، از این رو مجال پرداختن به اصلاحات دلخواهش را نیافت و فتنه‌جویان، افزون بر خسارات مالی و جانی که به مردم وارد کردند، آنان را گمراه ساخته، از مسیر حق منحرف نمودند. گروه ناکشین در حمله به شهر بصره عثمان بن حنیف والی بصره را سخت شکنجه و اموال بیت المال را غارت کردند و علاوه بر مجروح کردن برخی افراد، هفتاد نفر از مدافعین و پنجاه نفر از حافظان خزانه را به قتل رساندند. فتنه‌گران جمل سبب کشته شدن مسلمانان فراوانی شدند که شمار آنان را از شش هزار تا سی هزار نفر نوشته‌اند. همچنین خسارات و ویرانه‌های اقتصادی فراوان و ناراحتی‌های روانی بسیاری برای جامعه پدید آوردند. خساراتی که دامن‌گیر بیشتر مناطق کشور اسلامی شد. (آخوندی، همان)

د) ایجاد اختلاف و تفرقه

مهم‌ترین رکن قدرت ملی یک جامعه «وحدت کلمه» و اتحاد و یکپارچگی ملت است. این وحدت و یکپارچگی با اختلاف تضعیف می‌شود. در قرآن کریم آمده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ (انفال / ۴۶) و از خدا و رسول او اطاعت کنید و اختلاف نکنید که سست خواهید شد و قدرت شما از بین خواهد رفت». در آیه‌ای دیگر، اختلاف افکنی و گروه‌گروه کردن جامعه به فرعون نسبت داده شده است. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا؛ (قصص / ۴) فرعون بر روی زمین برتری جست و مردمش را فرقه فرقه کرد.» بنابراین هر کس برای ایجاد اختلاف میان امت اسلامی بکوشد، پای خود را بر جای پای فرعون نهاده است.

فتنه‌گران، راهزنان وحدت امت اسلامی‌اند که به ایجاد اختلاف و تفرقه و در نتیجه تضعیف قدرت ملی می‌پردازند. به هنگام هجوم فتنه، آراء پراکنده و مختلف می‌شود و هر یک از مردم به سویی گرایش پیدا کرده، رو در روی هم قرار می‌گیرند و در نتیجه پس از فتنه، نه تنها

قدرت ملی ضعیف می‌شود، بلکه از بین می‌رود، چرا که فتنه نیروهای خودی را به ستیز رو در رو فرا می‌خواند. (همان) امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّنْبِ، أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَا مَتَى هَذِهِ؛ (خطبه نهج البلاغه، ۱۲۷) دست خدا با جماعت است. از پراکندگی پرهیزید که انسان تنها و جدا شده از جماعت، بهره شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها و جدا شده از گله، طعمه گرگ خواهد بود. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد.»

و) پیدایش تشکیلات و سازماندهی فتنه

یکی از آسیب‌های وقوع فتنه در جامعه اسلامی، پیدایش تشکیلات فتنه و به تعبیر امام علی علیه السلام برپایی و گسترش پرچم گمراهی است. فتنه موجب می‌شود فتنه‌گران هویت جمعی و تشکیلات اجتماعی منظم‌تر و منسجم‌تری پیدا کنند یعنی کسانی که تا قبل از وقوع فتنه هیچ اطلاع و شناختی از یکدیگر نداشتند، همدیگر را پیدا می‌کنند و امکانات و نیروهای پراکنده خود را هماهنگ‌تر و منسجم‌تر می‌سازند.

امام علی علیه السلام حوادث بعد از خود (فتنه بنی‌امیه) را به پرچم ضلالتی تشبیه می‌کند که همچون درختی استوار بر زمین کوبیده شده است و شاخه‌های خود را به قسمت‌ها و بخش‌های مختلف می‌پراکند و به همین دلیل افراد بیشتری را زیر چتر خود جای می‌دهد. نتیجه‌ی پیدایش «تشکیلات فتنه» این می‌شود که فتنه‌گران می‌کوشند مرام‌نامه و اساس نامه‌ای برای خود تدوین کنند؛ مبانی فکری خود را ساماندهی نمایند و برای آینده‌ی تشکیلات خود برنامه ریزی دقیق‌تری داشته باشند تا بتوانند در جامعه از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار شوند و نیروهای بیشتری را جذب کنند. (شریفی، همان، ص ۱۲۹) جنبش سبز، جبهه سبز امید، موج سبز، اتاق فکر جنبش سبز و گروه تندر از جمله تشکل‌هایی بودند که در جریان فتنه اخیر جهت سازماندهی فتنه تأسیس و اعلام موجودیت کردند. (عبداللهی

فر، حسین، چگونگی، چیستی و چرایی فتنه ۸۸، (۲۰ بهمن ۱۳۸۹)، <http://www.basijtollab.ir>

مقام معظم رهبری در خصوص پیامدهای فتنه می‌فرمایند: «از دست دادن مال، از دست دادن جان، از دست دادن عزیزان، از دست دادن لذات زندگی، خسارت‌هایی است که بر انسان در این دنیا وارد می‌شود، اما خسارت‌های حقیقی این‌ها نیست. گاهی همین چیزها که به نظر ما خسارت و فقدان می‌آید، از دست دادن چیزی می‌آید، وسیله‌ای است که ما را از آن خسارت بزرگ، از آن خسارت حقیقی محفوظ نگه می‌دارد. لذاست که در دنیای مادی، در این زندگی‌ای که ما مأمور به انجام کار و تلاش و مجاهدت در آن هستیم، مسئله‌ی بردن و باختن و جلو افتادن و عقب افتادن و وجهه پیدا کردن و وجهه پیدا نکردن و محبوب شدن و از چشم‌ها افتادن و اینها، مسائل کاملاً درجه‌ی دو و مسائل فرعی به حساب می‌آید؛ اصل قضیه آن امر حقیقی است، که آن هم با عمل به تکلیف الهی به وجود می‌آید».

بیانات رهبر در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، تاریخ ۲۱/۳/۱۳۸۷؛ (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4029>)

نتیجه‌گیری

مقاله ارائه شده با عنوان فتنه و فتنه‌انگیزان از دیدگاه امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری به بیان مواردی از جمله: مفهوم شناسی فتنه، پیدایش فتنه، مراحل فتنه، ویژگی‌های فتنه، ریشه‌های فتنه و پیامدهای فتنه در ابعاد مختلف پرداخته است. فتنه، ماهیتی دو گانه دارد. فتنه فرزند نامشروع انحراف از مبانی دینی است. در واقع فتنه حادثه پیچیده‌ای است که چیستی آن روشن نیست. ظاهرش فریبنده، زیبا و حق به جانب است، ولی در درون خویش، انحراف، فساد، باطل و فریب را پنهان کرده است. از این رو بسیاری از مردم از شناسایی آن باز می‌مانند و گاه همسو با فتنه حرکت می‌کنند. از مراحل پائین شروع می‌شود و رشد می‌کند. رشد و تغییراتش در زمان توان یافتن همچون رشد و توان یافتن جوان است و ناگهان آشکار می‌شود و به هرکجا که برسد و درهرجا که باشد، آسیب می‌رساند و اثر

خودش را نمایان برجای می‌گذارد. از ویژگی‌های بارز فتنه که امام علی علیه السلام در خطبه‌های مختلف بیان نموده‌اند می‌توان به آراستگی با حق، آشکارشدن ماهیتش بعد از تمام شدنش، کورکننده و تاریک‌گرا بودن و فراگیری آن اشاره نمود. ریشه‌های فتنه را می‌توان در هوی پرستی، ریاست طلبی، دنیا طلبی، بدعت گذاری در دین و دورشدن از خط رهبری دانست. از آن جایی که فتنه فراگیر است پیامدهای فتنه نیز در ابعاد گوناگون آن از جمله فردی، اجتماعی، عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند همه جامعه و افراد آن را درگیر خود نماید. در این مقاله سعی شده است کلیه موارد مربوط به فتنه از مفهوم شناسی تا پیامدهای که در بر دارد را در قالب یک مقاله خلاصه کنیم، علی‌رغم سایر مقالات ارائه شده که عناوین بیان شده در این مقاله را هر کدام به صورت مقالات جداگانه از دیدگاه امام علی بیان نموده‌اند.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- * نهج البلاغه. ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، بصیرت پاسداری (۲) (چاپ اول)، بیجا، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۸ ش.
 ۲. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰)، موج فتنه از جمل تاجنگ نرم (چاپ سی و یکم)، تهران، کانون اندیشه جوان.
 ۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۴)، المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ چهارم)، ج ۹، قم، جامعه مدرسین.
 ۴. فتوحی، عباس (۱۳۸۹)، ماهنامه فرهنگی تبلیغی ۳ و ۴، بی جا، روابط عمومی و تبلیغات سازمان بسیج مستضعفین.
 ۵. کلینی، محمد باقر (۱۳۷۹)، اصول کافی (چاپ پنجم)، تهران، انتشارات اسوه.
 ۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه (چاپ پنجم)، ج ۲، ۷، ۱۳، قم، دارالکتب اسلامی.
 ۷. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ناصر (۱۳۸۵)، پیام امام (چاپ سوم)، ج ۲، ۴، ۶، تهران، دارالکتب اسلامی.
 ۸. مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت (۱۳۸۸)، فتنه و فتنه گران (چاپ دوم)، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت.
 ۹. مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت (۱۳۸۹)، علی و فتنه ها (چاپ هشتم)، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت.
 ۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، جاذبه و دافعه علی علیه السلام (چاپ اول)، تهران، آدینه سبز.
 ۱۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۲)، بحار الانوار (چاپ پنجم)، ج ۵۲، ۸۹، تهران.

سایت‌ها

۱. آخوندی، مصطفی، کالبدشکافی فتنه از منظر امام علی علیه السلام، زمزم هدایت، قابل دسترسی در <http://www.tooba.net/books/show/104/10>
۲. آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۰) گرداب هلاکت - فتنه از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قابل دسترسی در: http://pajuhesh.irc.ir/Product/book/show/id/449/book_keyword//occasion//index/1/indexId/106762
۳. امامی، احمد، آثار و پیامدهای فتنه ۸۸ در داخل و خارج از کشور، (تاریخ ۹ دی ۱۳۹۱)، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920301000384>
۴. عبداللهی فر، حسین، چگونگی، چیستی و چرایی فتنه ۸۸ (۲۰ بهمن ۱۳۸۹) قابل دسترسی در: <http://www.basijtollab.ir/?q=node/738>
۵. راضیم به رضایت، فتنه و آثار آن، (۲۲ اسفند ۱۳۹۱)، قابل دسترسی در: <http://raazi70.blogfa.com/post/45>
۶. بیانات رهبر انقلاب اسلامی، www.khamenei.ir